



چهارشنبه ۲۰ شهریور ۱۴۰۱

وطن امروز | شماره ۳۵۵۵

فرهنگ و هنر

اخبار

بستری شدن امین تارخ در بیمارستان



امین تارخ، بازیگر سینما تئاتر و تلویزیون طی ۲ روز گذشته به دلیل مشکلات قلبی در بیمارستان بستری شده است. به گزارش «وطن امروز»، امین تارخ در حال حاضر مراحل درمان را در بیمارستان سپهری می‌کند و برخی هنرمندان از انجمن بازیگران خانه سینما نیز پیگیری وضعیت او در بیمارستان هستند. تارخ که متولد مردادماه ۱۳۳۲ است، در دهه ۵۰ از دانشکده هنرهای نمایشی دانشگاه تهران فارغ‌التحصیل شد و در طول حدود نیم‌قرن فعالیت در عرصه بازیگری نقش‌های ماندگاری را در سینما، تئاتر و تلویزیون خلق کرده است.

وی در سال‌های گذشته با تاسیس یک موسسه آموزشی در حوزه بازیگری چهره‌های مطرحی را به سینمای ایران معرفی کرده است. تارخ در تلویزیون هم در سریال‌های زیادی بازی کرده و یکی از نقش‌های ماندگارش در نقش ابن سینا بوده است. «سربداران»، «شیخ مفید»، «پارتمان»، «سفر سبز»، «معصومیت از دست رفته» و «جراحت» از دیگر سریال‌های شاخص این بازیگر است که در خاطر بسیاری از علاقه‌مندان ثبت شده است.

انتشار انیمیشنی با الگوگیری از حسن یزدانی

همزمان با نایب‌قهرمانی تیم ملی کشتی آزاد ایران، دومین قسمت تیزر انیمیشن «ماجراهای نوید» با محوریت الگوگیری شخصیت اصلی داستان از قهرمان کشتی ایران «حسن یزدانی»، توسط شبکه‌نهاد منتشر شد. به گزارش «وطن امروز»، در هر قسمت از این تیزر انیمیشن، نوید که ۱۲ سال دارد با الگوگیری از یکی از قهرمانان ملی، کشتی قهرمانانه متناسب با پیرامون خود انجام می‌دهد.

در دومین قسمت از این انیمیشن، پس از آنکه الگوگیری از ایرقهرمان‌های خیالی هالیوودی کمکی به نوید نمی‌کند، او با الگوگیری از «حسن یزدانی» به مصاف شخصیتی مزاحم می‌رود و او را شکست می‌دهد.

به گفته روابط عمومی شبکه کودک، این شبکه بنا دارد تا هر فصل یک قسمت جدید از این تیزر انیمیشن را رونمایی کند که هر قسمت از آن به الگوگیری از یکی از قهرمان‌های ملی بپردازد.

تیزر انیمیشن یکی از قالب‌های موثر در تولیدات تلویزیونی است که تجربیات موفقیتی همچون «سیاسکتی» و «باباقری» و «باباقری»، تأثیرگذاری این قالب را تصدیق می‌کند و قرار است «ماجراهای نوید» نیز در همین مسیر گام بردارد. کارگردانی «تیم بعد» برعهده محمدمهدی محسنی و تهیه‌کننده آن محمدرضا فرزادمهر است.

اشکان خطیبی «اسفندیار رویین تن» می‌شود

اشکان خطیبی با موسیقی - نمایش «هفت‌خان اسفندیار» به کارگردانی حسین پارسایی مهر امسال به تالار وحدت می‌آید. به گزارش «وطن امروز»، «هفت خان اسفندیار» یکی از داستان‌های مشهور شاهنامه اثر حکیم ابوالقاسم فردوسی است که در هفت‌خان، حکایت سفر پرماجرایی اسفندیار رویین تن به قصد رها کردن خوارانش همای و بافرید از چنگ تورانیان را روایت می‌کند.

پیش از این امین حیایی، غزل شاکری، الهام کرد، حسام منظور، محمد ریاضت، رضا راد، مونا صوفی، نیکا افکاری، سروین ضابطیان و سایه پارسایی به عنوان بازیگران این نمایش معرفی شده بودند.

«هفت‌خان اسفندیار» محصول سازمان هنری رسانه‌ای اوج، برداشتی آزاد از شاهنامه حکیم ابوالقاسم فردوسی به نویسندگی محمدرضا کوهستانی، پاییز سال جاری با مشارکت بنیاد فرهنگی - هنری رودکی در تالار وحدت اجرا می‌شود.

حضور ۱۲ اثر فارابی در جشنواره فیلم‌های کودکان و نوجوانان شارجه



۲ فیلم «پسران دریا» و «بچه گرگ‌های دره سبب» در بخش رسمی فیلم‌های بلند نهمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان شارجه روی پرده می‌روند. به گزارش «وطن امروز»، ۲ فیلم سینمایی «پسران دریا» به کارگردانی آفرین هاشمی و حسین قاسمی جامی و تهیه‌کنندگی بهروز نشان و «بچه گرگ‌های دره سبب» به کارگردانی فریدون نجفی و تهیه‌کنندگی مجید بزرگز از تولیدات بنیاد سینمایی فارابی، در بخش رسمی فیلم‌های بلند نهمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان شارجه به نمایش درمی‌آیند. این جشنواره از تاریخ ۱۰ تا ۱۵ اکتبر/۱۸ تا ۲۳ مهرماه ۱۴۰۱ برگزار می‌شود.

حضرت امام صادق(ع):

خدا دنیا را به دوست و دشمنش عطا می‌کند ولی ایمان را فقط به کسی می‌دهد که او را دوست دارد.

روزنامه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی

صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول: محمد آخوندی سردیز، سید عابدین نورالدینی

نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر (عج)، کوچه سعید، پلاک ۹
روابط عمومی: ۶۶۴۱۳۹۲ | تحریریه: ۶۶۴۱۳۹۲ | شماره: ۶۶۴۱۳۹۲
پيامک: ۱۰۰۰۲۳۳۱ | پست الکترونیک: info@vatanemrooz.ir

چاپ: موسسه جام‌چم برتر برنا | توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰

نگاهی به فیلم «جایی که خرچنگ‌ها آواز می‌خوانند»

قضاوت در مرداب



فیلم می‌برد که بر اساس قانون طبیعت «چطور مادری می‌تواند فرزند خود را رها کند» و مدام خود را به مادرش شباهت می‌دهد.

بازگشت به طبیعت و ارائه قصه‌ای مینی‌مال در فضایی بکر و همچنین بازی ادگار جونز در نقش کایا از مؤلفه‌های برجسته این فیلم است. «جایی که خرچنگ‌ها آواز می‌خوانند» البته در ارائه تصویری از «دادگاه» ابداع متفاوتی نداشته است. تصویر تکراری دادگاه‌های آمریکایی در این فیلم نیز مشاهده می‌شود.

«جایی که خرچنگ‌ها آواز می‌خوانند» البته نتوانسته منتقدان را با خود همراه کند. در وبسایت بازبینی‌خوانی راتن تومیتوز، ۳۴ درصد از ۱۸۵ بررسی منتقدان مثبت است و این فیلم میانگین امتیاز ۵.۲ از ۱۰ را در اختیار دارد. این وبسایت چنین می‌نویسد: «دیزی ادگار جونز بهترین تلاش خود را انجام می‌دهد اما جایی که خرچنگ‌ها آواز می‌خوانند در نهایت نمی‌تواند منبع اصلی خود را به یک درام منسجم تبدیل کند». این فیلم در متاکریتیک، که از میانگین وزنی استفاده می‌کند، بر اساس نظر ۴۶ منتقد امتیاز ۴۳ از ۱۰۰ را کسب کرده که نشانگر «نقد‌های مختلط یا متوسط» است. منتقدان مختلف بازی ادگار جونز را به عنوان بهترین جنبه فیلم ستایش کردند؛ اگر چه به نسبت هزینه، فروش نسبتاً خوبی داشته است. تا تاریخ ۷ سپتامبر ۲۰۲۲، جایی که خرچنگ‌ها آواز می‌خوانند حدود ۸۶ میلیون دلار در ایالات متحده و کانادا و ۳۰۷ میلیون دلار در مناطق دیگر جهان فروش داشته است که فروش کلی ۱۱۶.۷ میلیون دلار در گیشه جهانی را نشان می‌دهد.

را کشته باشد و باز به آن شهر بازگشته باشد، هیچ دلیل دیگری هم برای قتل وجود ندارد و به همین دلیل او را تبرئه می‌کند. دختر مرداب از دادگاه نجات یافته و سراغ زندگی‌اش می‌رود. شبیه قصه‌های کودکانه همه (با تیت و دیگران) تا آخر عمر شاد و خندان در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند اما راز قتل ده‌ها سال بعد و پس از مرگ کایا آشکار می‌شود؛ زمانی که دفترچه خاطراتش و نشانی که برای چیس تهیه کرده بود، توسط تیت قرائت می‌شود. شاید تیت هم حالا از قتل چیس ناراحت نیست چون همین قتل باعث نجات کایا و ازدواج او با وی شده و توانسته سال‌های خوشی را برای او بر ارمان بیاورد. اما پس تکلیف قتل چه می‌شود؟ بحث فضیلت‌های اخلاقی و عدالت اینجا مطرح می‌شود؟ آیا همزادپنداری با زندگی خوش و خرم یک نفر باعث می‌شود دست او را برای حفظ این زندگی باز بگذاریم تا جایی که به قتل فرد دیگری منجر شود؟ اینجا حتی بحث تعارض فرد و اجتماع در میان نیست و صرفاً تعارض منافع فردی یک نفر و ترجیح زندگی او بر زندگی یک نفر دیگر است. به همین دلیل راحت نمی‌توان از «پایان خوش» صحبت کرد! البته آنقدر فشاری که کایا در کودکی تحمل کرده و در «تنهایی بزرگ شدن» پررنگ و برجسته است، که همراهی و همدلی حداکثری با او در فیلم صورت می‌گیرد و حتی قاتل بودن او مخاطب را ناخرسند نمی‌سازد.

شاید از همین منظر نمی‌توان ارجاعاتی که به مساله «خانواده» می‌شود را هم پذیرفت و با آن همزادپنداری کرد، بویژه تعلقی که به «مادر» در پایان فیلم طرح می‌شود. از آن جمله دوست داشتن مادر و این سوال که کایا در طول

در کهنسالی و پس از مرگ کایا دفترچه او را باز می‌کند، استدلال‌هایی از زبان کایا طرح می‌شود که قتل را توجیه می‌کند. حال آنکه تا آن لحظه مخاطب انتظار قاتل بودن کایا را ندارد. گردنبندی که کایا به چیس داده و در لحظه قتل از او جدا شده در اختیار کایاست. روایت کایا روی فیلم هم حکایت از تایید قتل دارد و مرداب را شاهد قتل می‌گیرد: «مرداب همه چیز را درباره مرگ می‌داند و لزوماً آن را یک تراژدی غمبار یا گناه نمی‌داند. درک می‌کند که همه موجودات نهایت تلاش‌شان را برای زنده ماندن می‌کنند بمرید». اینجا منظور از شکارچی چیس است که به معنای واقعی هدفی جز شکار کایا نداشته است.

اما چرا قضاوت هم در مرداب باقی می‌ماند و راز قتل آشکار نمی‌شود؟ خود مساله «قضاوت» اینجا دارای اهمیت می‌شود. آنچه در «جایی که خرچنگ‌ها آواز می‌خوانند» مورد بحث قرار می‌گیرد، استنادات عینی در قضاوت است. پس از بازداشت و در مقطعی که قصه کایا آنچنان که باید روشن نشده، کایا از روی ظاهرش متهم است. او دختر مرداب است، قصه‌ها و افسانه‌هایی درباره او بافته شده است، خوی کایا به خاطر همزیستی‌اش با طبیعت، تلقی اجتماعی درباره قاتل بودنش را پررنگ می‌کند و همه چیز تایید می‌کند که او قاتل است، بویژه تا آنجا که راز آن کلاه قرمز رنگ هم آشکار نشده است. در بخش دیگری از فیلم، این ظن که شاید تیت، در یک رقابت عشقی، چیس را از میان برداشته باشد، پررنگ می‌شود. دادگاه همه هم شواهد را جمع می‌کند اما در نهایت برایش محرز نمی‌شود که چیس در فاصله‌ای کوتاه از شهر دیگری آمده باشد، چیس

گروه فرهنگ و هنر: «جایی که خرچنگ‌ها آواز می‌خوانند»؛ بگذارید از همین عنوان شروع کنیم که خلاصه همه فیلم است. خطر اسبویل هم از همین ابتدا وجود دارد. مادر کایا (کاترین کلارک) در کودکی برای او رازی را فاش می‌کند که گویی نشانه‌ای از همه زندگی اوست. تشویق مادر کایا، برای کاوش در مرداب از کایا شخصیتی علاقه‌مند به مرداب ساخته، بیش از همه خواهران و برادرانش، که اتفاقاً بیش از همه در کنار پدر و در نهایت تنها می‌ماند. وقتی مادر کایا وی را برای جست‌وجو در مرداب تشویق می‌کند، به او توصیه می‌کند تنها تا «جایی که خرچنگ‌ها آواز می‌خوانند» پیش برود. کمی بعدتر وقتی تیت (کسی که عاشقانه کایا را دوست دارد) از این عبارت استفاده می‌کند «جایی که خرچنگ‌ها آواز می‌خوانند» را برای کایا اینطور معنا می‌کند که آنجا جایی است که موجودات وحشی همچنان وحشی رفتار می‌کنند. این مساله درباره حیات‌وحش و طبیعت، در پایان فیلم معنایی را که از عنوان مدنظر است، در اختیار قرار می‌دهد. کایا، که او را دختر مرداب می‌دانند، با طبیعت خو گرفته و در عین لطافت، مؤلفه‌هایی از طبیعت را نیز از آن خود کرده است. یکی اینکه او را با غریزه جنسی بسیار طبیعی و فارغ از عرف اجتماعی مواجه می‌کند و اتفاقاً به خاطر همین است که آسیب می‌بیند؛ در حالی که تیت وقتی با او وارد رابطه می‌شود، مراقب این وضعیت است. اگر از پایان به آغاز به تحلیل فیلم بپردازیم، جایی که خرچنگ‌ها آواز می‌خوانند، یعنی همان جایی که خوی وحشی موجودات آشکارتر است، همانجا (از منظر معنا، نه صرف مکان) محل قتل چیس است که با سوءاستفاده از کایا، به او آسیب زده است. اما قاتل کیست؟ در پایان وقتی تیت

استقلال زنانه با چاشنی فردگرایی مفرط!

و پیچ و خم‌های کایا در مسیر از دست دادن خانواده و خو گرفتن به سختی‌های زندگی جدید و همین‌طور روابط عاشقانه سینوسی او و دغدغه‌هایش که یکی پس از دیگری به نگارش درمی‌آید و چاپ می‌شوند، مخاطب را تشنه نگه می‌دارد، به گونه‌ای که برای یافتن پاسخ سسوالی که در ذهن دارد، تملیق‌های کشنده فیلم را به جان بخرد تا دست آخر از لایه‌های دفترچه خاطرات کایا بفهمد قاتل کیست. با این وجود ولی مونتاژ دست و پا شکسته و سهل‌انگانه صحنه‌های فیلم همچنان در ذوق بیننده می‌زد.

را قتل قرار داده و مخاطب را متقاعد کرده قاتلی وجود دارد که برای گشودن گره قصه باید پیدا شود. نیومن با این کار تضمین کرده که فیلمش یک فیلم جنایی است. او پس از تضمین این موضوع، با خیال راحت سراغ بهره‌گیری از جاذبه‌های رمانس و جذابیت‌های بصری طبیعت رفته است. شاید اگر بنا بود پرونده رازآلود قتل «چیس اندروز» در فضای شهری و خالی از طراوت طبیعت و همچنین فضایی فاقد روابط عاطفی روایت شود، مخاطب فلاش‌بک‌های پی‌درپی و ریتم کند قصه را نیم ساعت هم تحمل نمی‌کرد اما همین خرده داستان‌ها

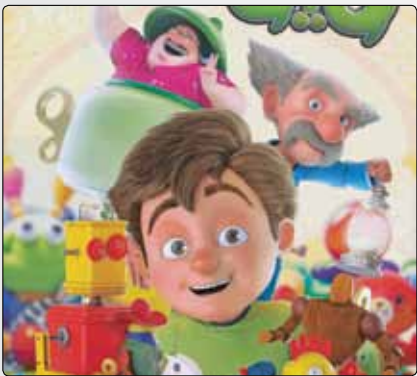
اقلیم است و اصلاً چیز عجیبی نیست که پایه و بستر اصلی فیلم «جایی که خرچنگ‌ها آواز می‌خوانند» بر فردگرایی مفرط بنا شده باشد. نباید تعجب کرد اگر جودی و کایا مدت‌ها پس از مرگ مادرشان از وجود خاله‌ای به نام رزماری مطلع می‌شوند؛ چون قصه در یک جامعه فردگرا در جریان است. این فردگرایی‌ها البته در بخش‌های دیگر، تنه به تنه نوعی استقلال زنانه می‌زند اما به هر حال کوچک‌ترین اثری از کانون خانواده در فیلم نمی‌بینیم.

الیویا نیومن در این فیلم، در وهله نخست گره داستان

احمدرضا انصاری پور: نام ادبی و پارادوکسیکال آن به سرعت لو می‌دهد این فیلم اقتباسی از یک رمان فروش آمریکایی با همین نام است. اما کسانی که زمان «جایی که خرچنگ‌ها آواز می‌خوانند» را مطالعه کرده‌اند هم چیزی را از دست نداده‌اند. آنها هر چند برای آگاهی از سرنوشت دادگاه نیازی به دنبال کردن فیلم تا انتها ندارند اما بازی پر از ظرافت «دیزی ادگار جونز» نقش اول فیلم، قطعاً شگفت‌زده‌شان خواهد کرد. به داستان فیلم به دلیل پایبندی به رمان مورد اقتباس نمی‌توان آنچنان خرده گرفت. ادبیات هر اقلیم زاده ارزش‌های آن

دومین انیمیشن سینمای ایران در ۱۴۰۱

پوستر انیمیشن سینمایی «لوپتو» رونمایی شد



انیمیشن سینمایی «لوپتو» با شعار «جشن اسباب‌بازی‌های ایرانی در سینما» همراه در سینماهای سراسر کشور اکران می‌شود. به گزارش «وطن امروز»، همزمان با مشخص شدن موعد اکران انیمیشن سینمایی «لوپتو» به تهیه‌کنندگی محمدحسین صادقی و کارگردانی عباس عسکری، از پوستر رسمی آن رونمایی شد. این انیمیشن همزمان با آغاز سال تحصیلی جدید با شعار «جشن اسباب‌بازی‌های ایرانی در سینما» روی پرده می‌رود. در خلاصه داستان این انیمیشن آمده است: پدر علی در کارگاه لوپتو با یاد دادن ساخت اسباب‌بازی به بیمارانش، آنها را درمان می‌کند. کارگاه اسباب‌بازی‌های خلاقانه لوپتو که بین کودکان ایرانی محبوبیت زیادی دارد با خرابکاری یک ناشناس تعطیل می‌شود. علی تلاش می‌کند پدرش را که ناامید شده است از این مخمصه نجات دهد. عوامل انیمیشن

فرداد امین‌زاده، مدیر تولید؛ محمدمهدی فتاحی، فیلمنامه؛ فرشاد امین‌زاده، عباس عسکری، کارگردان هنری؛ امین

مدیر شبکه آموزش خبر داد

بازگشایی «مدرسه تلویزیونی ایران» از دوم مهر



آموزشی تلویزیونی حرکت به سمت عدالت آموزشی است؛ یعنی هر کسی در خانه تلویزیون داشته باشد، با هر سطحی از دسترسی برای یک دانش آموز در شمال شهر تهران یا دانش آموزی در مناطق محروم برابر باشد که البته هم‌اکنون اینطور نیست و حتی قبولی‌های کنکور و نصیب آموزشی دانش آموزان مناطق مختلف ایران هم یکسان نیست.

مدیر شبکه آموزش ادامه داد: هدف اول راهاندازی مدرسه

کوتاهی‌های این حوزه را جبران کنیم. یکی از تعابیر رهبری از عدالت آموزشی این است که سناختار نظام آموزشی باید به سمتی حرکت کند که نحوه برخورداری از نظام آموزشی برای یک دانش آموز در شمال شهر تهران با دانش آموزی در مناطق محروم برابر باشد که البته هم‌اکنون اینطور نیست و حتی قبولی‌های کنکور و نصیب آموزشی دانش آموزان مناطق مختلف ایران هم یکسان نیست.

مدیر شبکه آموزش ادامه داد: هدف اول راهاندازی مدرسه

آموزشی است. یعنی امروز وقتی یک انیمیشن کوتاه برای دانش آموزان در فضای مجازی ۴ میلیارد بازدید دارد به این معناست که شیوه آموزش‌وپرورش تغییر کرده و باید توأم با سرگرمی و تفریح باشد و از همین رو است که می‌گوئیم در مدرسه تلویزیونی ایران یادگیری خوشمزه است. وی تأکید کرد، مدرسه تلویزیونی ایران تنها یک کلاس درس نیست، بلکه ما سعی کردیم آموزش‌های این مدرسه همراه با جذابیت‌های بصری و سرگرمی باشد. یعنی همانطور که بچه‌ها به تماشای کارتون علاقه‌مندند، طراحی کلاس‌های درس هم باید به گونه‌ای باشد که بچه‌ها منتظر آغاز آن باشند. گفتنی است مدرسه تلویزیونی ایران در اسفند ۱۳۹۸ در ابتدای شیوع بیماری کرونا در کشور راهاندازی شد.